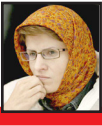


**سخن روز**

## قاب عکس چهارم



ژیابانی یعقوب— روزنامه نگار

خیلی جوان بودم. خرداد ۷۶ را تازه پشت سر گذاشته بودیم. سردبیری همشهری گفت با خانواده شهیداً مصاحبه کنم، به مناسبت بزرگداشت هفته جنگ. خیلی زود جذایت داشت. نمی‌دانم چرا؟ شاید به خاطر آهنگ ممد نبودی.

خانه بی آلابش و بسیار ساده شان حوالی میدان گرگان بود. آن روز هم مادر محمد به پرسش‌ها پاسخ می‌داد هم خالاش که او هم در زمان شاه مثل محمد زندانی سیاسی بود، خاله محمد بیشتر از مبارزات محمد و برادرش در زمان شاه می‌گفت و مادرش از روزهای بعد از انقلاب.

می‌دانستم سه شهید دارند. محمد که فرمانده سپاه خرمشهر بود، علی که در زندان شاه و زیر شکنجه ساواک شهید شده بود، محسن که در خرمشهر اسیر و مفقودالاثر بود. به دیوار روبرو که نگاه کردم نه عکس سه نفر که عکس چهار نفر را دیدم. مادرش تا دید به عکس‌ها نگاه می‌کنم، آهی بلند کشید و گفت: «آن‌یکي حسن است، دانشجوی پزشکی بود. سال شصت در تظاهرات سازمان بازشادت شد، همان روز که بازشادت شد محمد آمد خانه و به من گفت توی یک ساک برایش لباس و وسایل ضروری بگذارم. گفت که نگران نباش مادر. ما همه می‌دانیم حسن هیچ کاری نکرده جز خواندن روزنامه و شرکت در چند تظاهرات. رود آزاد می‌شود.»

مادر جهان آراها تند و تند از حسن می‌گفت، از حسن که تابستان ۶۷ اعدام شد. من از محمد و بقیه پسرهای شهیدش می‌پرسیدم و او از حسن می‌گفت. انگار دلش می‌خواست بیشتر از پسری حرف بزند که حرف زن از او ممنوع بود: «همه بچه هام خوب بودند اما حسن از همه خوب‌تر و باتقواتر بود.» با خودم گفتم شاید این ممنوع بودن نامش او را در چشم مادر این‌همه عزیزتر کرده.

به عکس ها نگاه کرد و گفت: «هر بار از بنیاد شهید می‌آیند و می‌گویند عکس حسن را بردارید. بنیاد شهید زیاد مهمان ایرانی و خارجی به‌ه خانه ما می‌آورد. به مهمانان می‌گویند این‌ها خانواده سه شهید هستند. به ما می‌گویند اگر عکس حسن هم باشد درباره او چه می‌خواهید بگویید؟»

بارها اشک توی چشماتش جمع شد. گفت: «حتی نمی‌گذارند عکس پسرم را به دیوار بزنیم، برای من هر چهارتا پسرم هستند، چرا عکس یکی را بردارم؟» دلش پر از حرف‌های ناگفته بود، پر از حسرت، «ناراحتی ما بیشتر از این است که اگر می‌خواستند پسرم را اعدام کنند چرا نزدیک هفت سال در زندان نگهش داشتند، زندان خیلی سختی بود، می‌گفت توی سرمای زمستان باید با آب سرد حمام می‌کردند، می‌گفت که…»

بعض داشت و حرف می‌زد: «هن می‌دانم پسر می‌گناه بود، محمد هم می‌دانست. همش می‌گفت مادر غصه نخور. حسن بی‌گناه است، روزنامه‌خواندن که جرم نیست.»محمد شهید شد و ندید برادرش که بی‌گناه بود و هشت سال حکم زندان داشت بعد از هفت سال اعدام شد.»

با جهان آرا تند و تند حرف می‌زد، از پسرهایش، از شهیدانش. بیشتر از همه از حسن. می‌گفتم: مادر، اجازه نمی‌دهند این حرف‌های شمارا چاپ کنم. می‌گفت برای خودت می‌گویم. نمی‌توانی بنویسی اما می‌توانی برای چند نفر تعریف کنی. پدر کمی حرف‌های همسرش را گوش داد و بی‌هیچ حرفی بلند شد و رفت. انگار مغازه کوچکی داشت همان اطراف و زندگی‌شان از همان می‌گذشت. زندگی‌شان بیش‌ازحد ساده بود. سه‌مشان از زندگی و انقلاب از دست دادن چهار پسر بود که به جز محمد کسی از سه نفر دیگر حرفی نمی‌زد.

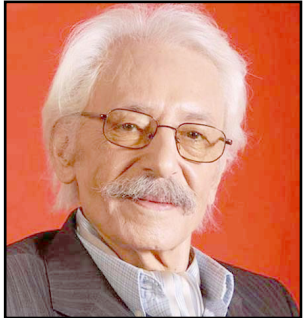
سکوت پدر بدجور سنگین بود. انگار دلش نمی‌خواست دراین‌باره حرفی بزند، شاید حتی نمی‌خواست حرف‌های همسرش را بشنود که بلند شد و رفت.

پدر جهان آراها که رفت، مادر گفت: «پدرشمان برای نجات حسن همه‌جا رفت. پیش هرکس که دستش رسید، پنهان می‌گفت سه پسرم در راه انقلاب شهید شدند، شما این‌یکی را به ما ببخشید. اما هیچ‌کس قبول نکرد، هیچ‌کس. کاش پسرم را همان اول اعدام می‌کردند که رنج هفت سال زندان را نمی‌کشید. مگر پسرم به زندان محکوم نبود چرا کشندش؟»

بعدها در خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خواندم پدر جهان آراها نزد او نیز رفته بود. هاشمی نوشته بود نتوانستم برایش کاری کنم مادر محمد حرف می‌زد و من یادداشت برمی‌داشتم، یادداشت‌هایی که می‌دانستم جایی در همشهری و هیچ روزنامه دیگری ندارد. اما یادداشت‌ها را نگه داشتیم، به مادران جهان‌آرا قول داده بودم برای دیگران تعریف کنم. می‌نویس:مصاحبه ام با مادرشهید محمد جهان آرا همان روزها در روزنامه همشهری چاپ شد، البته بدون گفته هایش در باره حسن.

**خبر**

### جمشید مشایخی:



## اگر روحانی رئیس جمهور نمی شد در ایران نمی ماندم

جمشید مشایخی گفت: اگر حسن روحانی رییس‌جمهور نمی‌شد، دیگر در ایران نمی‌ماندم.

به گزارش ایسنا، سوم خرداد ماه همایشی با عنوان تجلیل از فعالان ستاد انتخاباتی حسن روحانی در سالن وزارت کشور برگزار شد که در آن صاحب‌نامان حوزه های مختلف در حضور رییس‌جمهور سخنانی را بیان کردند.

در این مراسم از جمشید مشایخی بازیگر قدیمی سینما و تئاتر به عنوان فردی یاد شد که حتی در بستر بیماری هم از حسن روحانی حمایت کرد و سپس از او دعوت شد تا صحبت کند.

ایین بازیگر قدیمی ابتدا با خواندن این بیت شعر: من که ملول گشتمی از نس فرشتگان/ قال و مقال عالمی میکشم از نری.تو. تأکید کرد که ملت ایران به اذعان دیگر مردم دنیا با فرهنگ‌ترین مردم جهان بوده و هستند.

وی سپس گفت: من اهل تعارف نیستم به همین دلیل می‌گویم که اگر آقای روحانی انتخاب نمی‌شد من در ایران نمی‌ماندم.

مشایخی در پایان با آرزوی سلامتی برای مردم ایران خاطر‌نشان کرد که ملت ایران تلاش کند، معلم دیگر ملت‌های جهان باشد.

در این مراسم که از جامعه ورزشی زهرا نعمتی قهرمان پارالمیک صحبت کرد، حجت اشرف زاده سرود دوباره ایران را در حضور رییس‌جمهور با همراهی جمعیت حاضر در سالن خواند.

همچنین در این مراسم میزرا آقا مردی که در یکی از برنامه‌های انتخاباتی حسن روحانی تصویرش بازتاب زیادی در رسانه‌ها داشت با رییس‌جمهور دیدار کرد. در ایین برنامه جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور و نهایندیان رئیس دفتر رئیس‌جمهور، جت‌الله ایوبی رییس ستاد هنرمندان حامی روحانی و هنرمندانی همچون سروش صحت، امیرحسین رستمی، حسین فرحبخش، سامان مقدم، فرشته طائرپور، علی قربان‌زاده، کامران قتی، مجید مظفری، کیهان ملکی، مجید تولکی، الهام پاونژاد، احترام برومند، لیلی رشیدی، کناپون ریاحی، بیژن میرباقری، سعید سهیلی، پرستو گلستانی، پانته انهرام، حمید پورآزری و… هم حضور داشتند.

**قاسم سلیمانی:**

### فقط مردان بزرگ به کارهای بزرگ در شرایط سخت دست می‌زنند

**بیژن زنگنه وزیر نفت :**

## انتخابات موانع اجرای قراردادهای جدید را بر طرف کرد

وزیر نفت گفت: با انتخابات ۲۹ اردیبهشت بخش مهمی از موانع اجرای قراردادهای جدید نفتی برطرف شد. به گزارش ایرنا، «بیژن زنگنه» در حاشیه مراسم امضای قرارداد ساخت لوله‌های سی‌آرای (CRA) درباره نشست آتی اوپک ، بیان داشت: در این نشست، بحث اصلی تمدید توافقی ماه نوامبر ۲۰۱۶(آذر) است.

وی افزود: به نظر می‌رسد برای اصل تمدید توافق کاهش تولید بین اوپک و غیراوپک توافق وجود دارد.

وزیر نفت ادامه داد: بحث‌هایی درباره مدت قرارداد وجود دارد که به نظر می‌رسد بین ۶ تا ۹ ماه باشد.

وی اظهارداشت: ایران پیشنهاد خاصی در این باره ندارد. زنگنه درباره تصمیم‌گیری درباره میزان کاهش نیز افزود: فعلا بحثی درباره میزان کاهش نداشت.

وی درباره احتمال کاهش تولید نفت ایران گفت: اینگونه نیست.

وزیر نفت درباره احتمال کارشکنی عربستان پاسخ داد: اکنون عربستان تمایل دارد قیمت‌های نفت بالا باشد.



وی درباره حضور در دولت دوازدهم گفت: من ممکن است خیلی چیزها بخواهم، اما باید دید که چه می‌شود. زنگنه درباره زمان آغاز صادرات گاز به عراق گفت: بحث اصلی مربوط به ال.سی‌گنایش خط اعتباری‌است که باید باز شود تا بتوان گاز صادر کرد.

به گزارش ایرنا، یکصد و هفتاد و دومین نشست کشورهای ایران، نجرده و لیبی تا رسیدن به سطح تولید پیش از بحران خود را برنامه کاهش تولید اوپک مستثنی شدند

**قاسمی در واکنش به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا:**

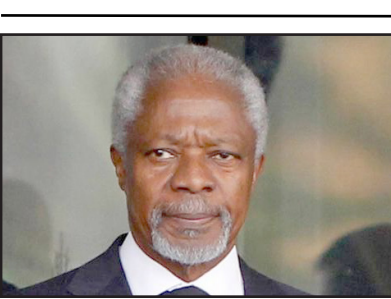
## سیاست ایران هراسی شکست خورده و ناکارآمد است

بر بازداشتن جمهوری اسلامی ایران از توسعه سلاح هسته ای و حمایت از تروریسم-را سخنانی وهم آلود و تکراری خوانند
سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: جمهوری اسلامی ایران هیچگاه به دنبال سلاح هسته ای نبوده که کشوری بخواهد با ادعای بازداشتن از دستیابی به آن، اهداف دیگری را دنبال کند. ایشان خوب است بدانند مراجع ذیصلاح بین‌المللی نیز بارها بر پایبندی ایران به تعهدات خود تأکید کرده اند و تاکنون باید دریافته باشند که سیاست ایران هراسی و تکرار ادعاهای تاریخ مصرف گذشته، سیاسی شکست خورده و ناکارآمد است.قاسمی خاطر نشان کرد: طنز تلخ تاریخی آنجاست که این اظهارات در جایی و نزد کسانی مطرح می‌شود که به هیچ یک از قوانین و قواعد بین‌المللی بویژه درخصوص منع دستیابی به سلاح هسته‌ای تأکید کرده و زرادخانه‌ای مملو از کلاhek های انمی در سرزمین‌های اشغالی انباشته اند.

**هشدار بهزیستی:**

### در آستانه رمضان مراقب سو استفاده موسسات خیریه از عواطف مردم باشید

موسسه خیریه‌ای از سوی بهزیستی مجوز جلب و جذب مشارکت‌ها در سطح شهر داده نشده است، خاطر نشان کرد: موسسات خیریه می‌توانند در صورت تقاضا به صورت موردی و موقت برای ایامی مانند عید سعید فطر مجوز جلب و جذب را از بهزیستی استان تهران اخذ کنندوی افزود: هموطنان می‌توانند برای جلوگیری از سوء استفاده از عواطف نوع‌دوستانه مردم، در صورت مشاهده مواردی از این دست موضوع را از طریق سامانه پیامکی دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات با شماره ۳۰۰۰۸۵۳۰ و همچنین شماره تماس ۸۸۷۹۱۵۸ مربوط به دبیرخانه کمیسیون نظارت بر مراکز و موسسات غیر دولتی بهزیستی استان تهران اطلاع دهند.



رئیس‌جمهور آمریکا که به تازگی برای شرکت در نشست کشورهای عربیاسلامی و آمریکا به ریاض سفر کرده بود، در اظهارات خصمانه خود علیه کشورمان ایران را به حامی اصلی تروریسم متهم کرد و از کشورهای جهان خواست تا ایران را منزوی کنند.

**سخنگوی هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها:**

### از چمران خواستیم ادعاهایش مبنی بر شائبه در شمارش آرا را ارایه دهد؛ نپذیرفت

هیچ تغییری در تعداد آرا به وجود نیامد. همچنین تجری در واکنش به سخنان رضا قتی‌پور در صحن علنی شورا مبنی بر اینکه وزارت کشور نامه شکایت آنها در مورد نتایج انتخابات را نپذیرفته و از آنها خواسته حضوری بیایند و انگشت بزنند، در حالی که چنین قانونی وجود ندارد، گفت: قاعدا خود فرد یا وکیل حقوقی‌اش برای ارجاع نامه شکایت باید حضور یابد و مستندات خود را نیز ضمیمه نامه کند. نمی‌توانیم با توجه به ذهنیات و گفت‌وگوهای شفاهی افراد در صندوق‌ها دخل و تصرف کنیم، چرا که این اقدام قانونی نیست.

**مولوی عبدالحمید:**

## مردم فردی شجاع و صادق را برای اداره کشور انتخاب کردند

و رأی بالای این مردم به شما در دور دوم در تاریخ نظام جمهوری اسلامی ایران بی‌سابقه است.
مولوی عبدالحمید در پایان تأکید کرد: اهل سنت آماده‌اند هر جا دولت آقاسی روحانی صلاح بداند خدمت کنند و خواستار تغییر اساسی نسبت به جامعه اهل سنت و اقوام و مذاهب هستند.

سردار سلیمانی انتخاب اسماعیل هنیه به عنوان رئیس جنبش حماس را تبریک گفت.

به گزارش ایسنا، به نقل از النشرة، سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران در پیامی ضمن تبریک انتخاب اسماعیل هنیه به عنوان رئیس جنبش حماس گفت: ما مشتاقانه منتظر تلاش‌های شما هستیم تا خط مقاومت را همانند جنبش حماس تثبیت و گسترش دهید.سردار سلیمانی در ادامه گفت: امیدوارم که تلاش شما به مصلحت ملت مجاهد فلسطین باشد و استکبار جهانی و صهیونیست‌ها خواهان ربودن بیت‌المقدس هستند.

سردار سلیمانی در پایان گفت: فقط مردان بزرگ به کارهای بزرگ در شرایط سخت دست می‌زنند و ما امیدواریم که با مدیریتتی حکیمانه بحران‌های داخلی را حل کنید.

E-mail: mostagheldaily@gmail.com

### سیاسی

#### یادداشت روز

### دال‌های تهی و سرگردانی ما

**جواد شقایی – روز نامه نگار**

در مناظره‌های نامزدهای ریاست‌جمهوری این دوره شاهد بودیم که بسیاری از دال‌های ارزشی گفتمان جمهوری اسلامی ، خیلی به ندرت مورد استفاده قرار گرفتند. این روند از دوره‌های قبلی نیز شروع شده بود اما در مناظرات امسال ملموس‌تر بود.

چرا حضور دال‌های اخلاقی به‌طور کل، و دال‌های ارزشی گفتمان جمهوری اسلامی به صورت خاص در گذار سیاست‌مداران و حتی مردم عادی کمرنگ شده است؟ در این یادداشت سعی می‌کنم به این پرسش پاسخ دهم.

در سومین مناظره که میان کاندیداهای ریاست‌جمهوری برگزار شد، حسن روحانی جمله‌ای را گفت که می‌توان آن را شاهکار تمام مناظره‌های امسال و چکیده‌ای از اوضاع جامعه‌مان و وضعیت گذتارهای این مناظره‌ها نیز دانست. روحانی خطاب به ابراهیم رئیسی گفت: امام رضا را دیگر از مردم نگیرید. جملاتی نزدیک به مفهوم این جمله نیز در این مناظره گفته شد، نظیر این جمله که باز هم خطاب به رئیسی گفته شد: از فقر مردم استفاده ابزاری نکنید. اما جمله روحانی شایهت تمام این جملات بود. اگر جمله روحانی را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم، زوایایی از پاسخ این پرسش روشن خواهد شد. روحانی وقتی گفت امام رضا را دیگر از مردم نگیرید، با آوردن قید دیگری می‌خواست بگوید همه چیز از مردم گرفته‌شده است حداقل این یکی را از مردم نگیرید.

به این سؤال از دو منظر می‌توان پاسخ گفت؛ یکی از منظر عملکردهای نظام سیاسی در استفاده نابجا از دال‌های مرکزی و تثبیت کننده جامعه، و دیگری از منظر شرایط عمومی و نوع صورت‌بندی اجتماعی. اما به نظر می‌رسد اگر صورت‌بندی اجتماعی‌ای که در آن قرار داریم بیشتر مورد بررسی قرار گیرد، حتی شاید علت اصلی عملکرد نظام سیاس در استفاده نادرست از دال‌های حیات بخش نگاه نیز قابل فهم شود.

مدرنیته را دوره‌ای می‌دانند که در آن انسان به عنوان سوژه مطرح می‌شود. یعنی موجودی که تصور می‌شود قادر به شناسایی جهان پیرامون و دست بردن در آن است. این سوژه بودن در درون گفتمان است که به وجود می‌آید. گفتمان‌ها نظام‌های معنایی هستند که افراد خود را به وسیله دال‌های درون آنها باز می‌شناسند، هویت می‌یابند، موقعیت‌شان به عنوان یک سوژه مشخص می‌شود و بر اساس آن عمل می‌کنند. گفتمان‌ها ذهنیت‌های افراد را می‌سازند، آنها را تبدیل به سوژه می‌کنند و پیش‌شان را از زندگی و جهانی که در آن حضور دارند شکل می‌دهند. دال‌ها یا کلمات در درون گفتمان معنا می‌یابند. دال‌های مختلف با در کنار هم قرار گرفتن نشان و چمت و بست خوردن‌شان با هم‌دیگر یک نظام معنایی را می‌سازند و در درون همان نظام نیز معنا می‌یابند. هیچ دالی به خودی خود و جدای از یک گفتمان دارای معنا و مفهوم نیست. خود گفتمان‌ها نیز زمانمند و مکانمند هستند و با فرم‌های زندگی مرتبط می‌باشند. گفتمان‌ها نمی‌توانند خارج از صورت‌بندی‌های اجتماعی‌ای که به آن تعلق دارند، کاربرد داشته باشند.

همانطور که اشاره شد میان گفتمان‌ها با فرم‌های زندگی ارتباطی دائمی برقرار است، هر چند که نمی‌توان قاعده‌ای خاص را میان آنها تصور شد. نظام‌های معنایی از فرم‌های زندگی تأثیر می‌پذیرند و متقابلا بر آنها اثر می‌گذارند اما نمی‌توان اولویت و تعیین کنندگی‌ای برای یکی از آنها قائل شد.

یک گفتمان را می‌توان به عنوان طرح‌واره‌ای مفهومی نام برد که بر اساس تجربه‌هایمان از زندگی شکل می‌گیرد یا پیشاپیش در ذهن‌مان طراحی می‌شود و بر اساس آن با زندگی و اتفاقات روزانه رویارو می‌شویم، تصمیم می‌گیریم و دست به عمل می‌زنیم. حال برگردیم به سوال اصلی این یادداشت و اینکه چرا از دال‌های ارزشی و تثبیت کننده جامعه، در گذتارهای سیاست‌مداران و افراد عادی کمتر استفاده می‌شود؟

جواب من به این سوال چنین است: ما در وضعیتی قرار گرفته ایم که اساساً هیچ نظام معنایی‌ای وجود ندارد؛ بدون نظام‌های معنایی دال‌ها یا کلمات نیز نمی‌توانند دارای معنا و مفهوم باشند؛ و از آنجا که نظام‌های معنایی با اشکال زندگی مرتبط هستند، علت این مساله را نیز باید در شکلی از زندگی که ما هم‌اکنون با آن دست به گریبان هستیم جستجو کرد.

امروزه زندگی از چنان سرعتی برخوردار است که اجازه شکل‌گیری هیچ گونه نظامی را چه از نوع معنایی، اقتصادی، فرهنگی و…را نمی‌دهد. در یک شرایط سیال و دالما متغیر تنها چیزهای بسیار کوچک و موقتی که در موقعیت‌های خاص به درد بخورند، کاربرد دارند. وقتی افراد با سرعت هر چه تمام دالما در حال جایجایی و تغییر موقعیت هستند، نظام‌های معنایی نه می‌توانند شکل بگیرند و نه اینکه به درد می‌خورند. اشخاص به صورت مکرر تغییر فضا می‌دهند و گاهی در یک آن در چندین فضا قرار می‌گیرند.

با این شرایط انسان‌ها نه می‌توانند فضا را برای خود قابل درک کنند و نه اینکه در این نوع از صورت‌بندی اجتماعی گفتمانی قابل شکل‌گیری است؛ و بدون گفتمان‌ها نیز دال‌ها معنای خود را از دست داده‌اند. و به این ترتیب انسان‌ها نیز بدون داشتن هیچ گونه ذهنیتی، همچون پیکره‌هایی بی روح هستند که فقط در حرکت‌اند. امروزه استفاده از دال‌ها تنها به عنوان نقابی ست که عربیانی‌مان بیوشانند، با استفاده از ته مانده معنایی آنها برای برانگیختن خاطر‌های تنگ و میهم از دورانی فراموش شده. هر چقدر که در دال‌ها دمیده می‌شود باز هیچ اثری روی کسی ندارند و هیچ فردی سوژه هیچ نظام معنایی‌ای نیست؛ زندگی برای همه بی معنا شده است.